



<http://www.arianafghanistan.com>



برلین - اول نومبر ۲۰۱۸



خلیل الله معروفی

مطلب مختلط منثور - منظومی را، که اینک از نظر خوانندگان گرامی "آریانا افغانستان آنلاین" میگذرانم، به تاریخ هشتم جون ۲۰۱۲ و به افتخار و در وصف شهداء و جانبازان وطن سروده و در صفحه همان روز پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" اشاعه داده بودم.

(خلیل الله معروفی - برلین - ۳۱ اکتوبر ۲۰۱۸)

جاودان گردید نامت، جاودان خطاب به جانبازان

والا ترین ودیعی، که آدمیزاد از دستگاه آفرینش به ارث برده است، هستی و سر و جان اوست. مگر متاع دگری هم هست، که بالاتر ازین است. متاعی باید به مراتب بالاتر از همه چیز باشد، که انسان سر و جان و هستی خود را در قدمش میریزد!!! برای آزادگان فقط یک امر در رأس هرم هستی قرار دارد و آن "آزادی" و "آزادگی" است. کسی، که در راه مقصود مقدسی جان میسپارد، شهید است؛ و عالیترین مرتبت شهادت آن است، که در پای و در ازای آزادی وطن کسب گردیده باشد. من به دلائل خاص ترجیح میدهم، - که کلمه "جانباز" دری را در عوض "شهید" عربی به کار بندیم. درین مختصر مجال کشودن مفصل این مسأله نیست، ولی وعده میدهم، که ضمن مقاله ای مستقل این نکته چون "غوزه" مکتوم را باز کنم. فعلاً همین قدر میگویم، که "شهید" به کسی اطلاق میشود، که معمولاً غیر ارادی سر خود را میبازد. اما "جانباز" - چنان، که از ساختمان آن پیداست - سرباختن را از روی اختیار و به صورت ارادی انتخاب میکند. ازینجاست، که رُحان "جانباز" دری را بر "شهید" عربی درمی یابیم. جای به خود بالیدن و سرافرازیست، که افغانان بادرک متوطن متروپول بزرگ کانادا - تورونتو و حومه - انجمنی را به نام "کانون یاددهانی از شهدای مردم افغانستان" بنیاد گذارده اند و اولین دستاورد شان تجلیل از روز شهداء و جانبازان ماست؛ شهداء و جانبازانی، که به حق سزاوار کسب این نام و عنوان بزرگ و مُفخَّم هستند. آرزو میکنم، که اقدام شایسته این کانون، سرمشق تمام مردم حقپرست و آزادیخواه ما در وطن؛ و بلکه کران تا کران جهان گردد. منظومه ای، که همین امروز در وصف این مقوله شأندار از طبع درویشم تراویده است، تحفه گویا و تحیت گویان نثار کافه جانبازان وطن باد!!!

جاودان گرديد نامت، جاودان

ای سمندِ ننگ و غـیرتِ رامِ تو
ای دو گـیـتی درنوردد نامِ تو
قله عـرـش مـعـلاً بامِ تو
شأن و عزّت درخورِ انعامِ تو
جان ما، قربانِ فیضِ عامِ تو

جاودان گرديد نامت، جاودان

با عدو هرگز نبودت آشتی
خنجرِ دشمن چو خس پنداشتی
صد سکندر پشتِ سر بگذاشتی
تخم شوکت در وطن تو کاشتی
از شرف تاجی به سر افراشتی

جاودان گرديد نامت، جاودان

زندگی در بندگی چون بردگی ست
بندگی خود مایه سرخوردگی ست
بردگی سرچشمه شرمندگی ست
زندگی در بندگی، کی زندگی ست
زندگی در چنبر آزادگی ست

جاودان گرديد نامت، جاودان

تذکرات:

۱- مصراع "خنجر دشمن چو خس پنداشتی" در بند دوم از مثنوی پرمتن همکار بزرگوار و عالی‌مقام پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان"، شاعر آزاده و شیرینکلام جناب تیمورشاه تیموری - تیموری صاحب - الهام گرفته شده است، آنجا که فرماید:

در ره حفظ وطن جان باختی تیغ بزّان را چو خس پنداشتی

این مثنوی زیبا، که به مناسبت "روز شهداء و جانبازان" سروده شده، صفحه امروز هشتم جون ۲۰۱۲ پورتال را مزین ساخته است.

۲ - "صد سکندر" در بند دوم با "سید سکندر" مغالطه نشود، که هم وزن را بر باد میدهد و هم مفهومی را، که خواسته ام ازین ترکیب بگریم. "صد سکندر" مراد از یورشگران و مهاجمان بی شماریست، که در طول تاریخ بر خاک پاک ما تاخته اند.



جاودان گردید نامت، جاودان!!!

Maroofi_k_jaawedaan_gardeed_naamat_jaawedaan.pdf

